

اهداف و کارکرد حکومت اسلامی از منظر قرآن بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی

عبدالعلی حسنی^۱

چکیده

اهداف و کارکرد حکومت اسلامی از منظر قرآن بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی، موضوع مورد بحث در این تحقیق است. این تحقیق به منظور شناخت اهداف و کارکرد حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم و بر اساس آرای تفسیری آیت الله جوادی آملی، انجام یافته است. با مراجعه به آیات قرآن کریم و بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی این نتیجه حاصل شد که ساختن مدینه فاضله و تربیت انسان به نحوی که بتواند به مقام خلیفه الهی دست یابد، از مهم ترین اهداف حکومت اسلامی برشمرده شده است. هدف از رسالت انبیای الهی، ساختن انسان نورانی است که بتواند به جایگاه اصلی اش که خداوند برای او مقرر کرده است، دست یابد. انسان های نورانی، کسانی هستند که به کمال رسیده اند و شایستگی مقام خلیفه الهی را کسب نموده اند. کارکرد حکومت اسلامی برای تحقق این دو هدف این است که جامعه اسلامی را مدینه فاضله سازد. مدینه فاضله جایی است که عدالت در آن برقرار است، انسان ها از نظر فرهنگی رشد یافته و عدالت اقتصادی در آن حکم فرماست، حقوق داخلی و بین المللی افراد جامعه رعایت گشته و از نظر صنعت و هنر از جایگاه رفیعی برخوردار بوده، امنیت کامل برقرار و افراد جامعه از آزادی برخوردارند.

واژگان کلیدی: هدف، کارکرد، حکومت، قرآن.

مقدمه

حکومت به‌عنوان نهاد مدیریت‌کننده امور مختلف جامعه، نقش اساسی در زندگی افراد جامعه ایفا می‌کند و یکی از عوامل مهم پیشرفت یا عقب‌گرد جوامع به‌شمار می‌رود. از طرف دیگر قرآن به حیث آخرین کتاب آسمانی قانون و راهنمای زندگی بشر و هدایت‌کننده انسان‌ها به‌سوی کمال در امور دنیوی و اخروی است. در عصر حاضر مکاتب مختلف فکری، الگوی حکومتی خاص به خود را، برای اداره امور جامعه ارائه نموده و اهدافی را برای آن‌ها تعریف می‌کنند که بیشتر ناظر به مسائل مادی و دنیوی است. شناخت اهداف و کارکردهای حکومت از منظر قرآن که نگاه دوبعدی به انسان دارد و درصدد پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی او است، از اموری است که می‌تواند برطرف‌کننده بسیاری از کاستی‌هایی باشد که تئوریسین‌های مادی‌گرا، در مورد حکومت نتوانسته برای رفع آن راهکاری عملی ارائه نماید.

در مورد اینکه حکومت اسلامی چه اهدافی دارد، دیدگاه‌های مختلفی در بین اندیشمندان اسلامی وجود دارد. هر یک از آن‌ها، برداشت‌های خاصی از اهداف حکومت اسلامی ارائه داده‌اند. آنچه می‌تواند اهداف حقیقی حکومت اسلامی را تبیین کند، قرآن کریم است. از آنجایی که قرآن صامت می‌باشد، نیاز است که افراد آگاه و خبره، آن را به سخن آورد. مفسرین اسلامی، کسانی هستند که قرآن را به سخن می‌آورند و مراد آیات مختلف قرآن را بیان می‌کنند. آیت‌الله جوادی آملی از جمله مفسرینی است که با توجه به مسائل روز جامعه، به تفسیر آیات قرآن کریم همت گمارده است. ایشان با نگاه عارفانه و عالمانه خود، به‌صورت کاربردی به تفسیر آیات قرآن پرداخته و تلاش دارد، نظر قرآن را در مورد مسائل روز تبیین نماید. مسائل سیاسی و حکومت یکی از موضوعاتی است که ایشان به‌طور کاربردی نظر قرآن را در مورد آن‌ها شرح می‌دهد. تحقیق پیشرو، در پی آن است که اهداف و کارکرد حکومت اسلامی را از منظر قرآن، بر اساس دیدگاه ایشان، مورد بحث و بررسی قرار دهد.

هرچند تحقیقاتی در مورد اهداف حکومت از نظر اسلام صورت گرفته، ولی پژوهشی که این اهداف را فقط از منظر قرآن و بر اساس دیدگاه اندیشمند و مفسر

خاصی انجام داده باشد، در دسترس محقق قرار نگرفته است. از طرف دیگر، با مطالعه دیدگاه آیت الله جوادی آملی در مورد اهداف و کارکرد حکومت اسلامی، درمی یابیم که با دیدگاه دیگر افرادی که در این زمینه بحث کرده و کتاب نوشته اند، متفاوت است. از این رو، تحقیق پیش رو با رویکرد قرآن محور و بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی که مسائل روز بخصوص مسائل سیاسی را به روش تفسیر موضوعی به بحث و بررسی گرفته، انجام خواهد شد.

مفهوم هدف

واژه هدف از مهم ترین واژه های پرکاربرد تحقیق پیشروست. برای آشنایی با مفاهیم لغوی و اصطلاحی آن، به تعریف آن از منظر کتب لغت می پردازیم.

مفهوم لغوی: هدف در فرهنگ فارسی عمید به معنای نشانه، غرض و نشانه تیر آمده است (عمید، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۹۶۵). همچنین در لغت نامه دهخدا به معنی: مقصود، غایت و هر چیز بلند و برافراشته از بنا و ریگ توده و کوه و پشته تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۴۵، ج ۴۹، ص ۱۶۰).

هدف در عربی و فارسی با تعبیر مختلفی چون غرض، مقصد، مقصود، منظور و انگیزه آمده است و می توان گفت مترادف با غایت به معنای انگیزه حرکت است (جرجانی، ۱۳۰۶، ص ۶۹).

مفهوم اصطلاحی: هدف در اصطلاح چیزی است که شخص قبل از عمل، آن را در نظر می گیرد و نیروی خویش و وسایل لازم را برای وصول به آن به کار می برد و غرضش دست یابی و رسیدن به آن است؛ یعنی آدمی برای رسیدن بدان بکوشد از قبیل جاه و مال و جز آن (دهخدا، ۱۳۴۵، ج ۴۹، ص ۱۶۰). به عبارت دیگر، هدف یعنی آنچه انسان برای رسیدن به آن بکوشد. (عمید، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۵۱۰۸).

مفهوم کارکرد

مفهوم کارکرد از واژه های کلیدی این تحقیق می باشد، لازم است که با مفهوم لغوی و اصطلاحی آن آشنا شویم و مراد از واژه کارکرد در این تحقیق را بدانیم.

مفهوم لغوی: کارکرد در لغت فارسی به معنای مقدار کار انجام گرفته و کار کردن، آمده است. وقتی که گفته می‌شود که کارکرد کارگران در روز چه قدر است؟ به این معنی است که کارگران در طول روز چه قدر کار کرده‌اند؛ به عبارت دیگر کارکرد بیشتر ناظر به نتیجه کار است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۵۶۷۳).

کلمه کارکرد معادل واژه Function از ریشه لاتینی Functio به معنای انجام یک وظیفه گرفته شده و در فارسی معادل‌هایی چون نقش، عمل، خدمت، شغل یافته است. در زبان ریاضی به معنای تابع است و در علوم اجتماعی نقشی را می‌رساند که یک جزء از کل تقبل کرده و به انسجام می‌رساند (کاظمی، پژوهشکده باقرالعلوم: www.pajoohe.com).

مفهوم اصطلاحی: کلمه کارکرد از محوری‌ترین واژه‌ها در نظریه کارکردگرایی است که یکی از نظریات مطرح در علوم اجتماعی است. کارکردگرایان جامعه را مانند بدن انسان، به مثابه سیستمی متشکل از بخش‌های متعدد و مختلفی می‌بینند که باهم در ارتباط و به یکدیگر وابسته‌اند. پس به نظر کارکردگرایان:

مفهوم کارکرد یعنی مقدار سهمی که هر بخش برای حرکت کل سیستم، ارائه می‌دهد و همچنین تأثیری که این بخش بر بخش‌های دیگر سیستم می‌گذارد؛ به عبارت دیگر، کارکرد یعنی اثرات هستی یا عملکرد یک بخش (آداب و رسوم، گرایش، نهاد) بر دیگر بخش‌های (اجتماعی، فرهنگی یا شخصی) سیستم، یا کل سیستم (عضدانلو ۱۳۸۴، ص ۴۹۰).

مفهوم حکومت

حکومت از واژگان اصلی تحقیق پیش رو می‌باشد، لذا نیاز است که با مفهوم لغوی و اصطلاحی آن آشنا شویم. چراکه دیدگاه‌های مختلفی در مورد مفهوم حکومت اسلامی در بین اندیشمندان اسلامی وجود دارد و در کتب مرتبط با این بحث، ذکر شده است.

مفهوم لغوی: حکومت از ماده حکم گرفته شده است که معنای اولی آن، منع

از فساد و منع برای اصلاح است. حکم در لغت به معنای داوری و قضاوت است و حاکم کسی است که حکم را به اجرا درمی آورد (فیروزآبادی، بی تا، ج ۴، ص ۸۹).
مفهوم اصطلاحی: در اصطلاح معانی مختلفی برای حکومت (government) بیان شده است (گولد، کولب، ۱۳۷۶، ص ۳۶۵-۳۶۶). مراد از حکومت سازمان اجرایی درون دولت است و به مجموعه‌ای از افراد، مناصب و ارگان‌ها اطلاق می‌شود که دست‌اندرکار تنظیم و اداره امور جامعه هستند. در این تعریف حکومت شامل تمام مناصب و قوای اداره‌کننده جامعه است. (نصرتی، ۱۳۸۴، ص ۴۶).

واژه حکومت به سرزمین اشاره ندارد. حکومت کارگزاری است که وسیله اراده دولت متبلور می‌شود، بیان می‌گردد و جامعه عمل می‌پوشد. دال گفته است: هر حکمرانی‌ای بتواند در درون محدوده ارضی معین به‌منظور اجرای مقررات خویش دعوی انحصاری استفاده مشروع از زور را با موفقیت به کرسی نشاند، حکومت خوانده می‌شود (عالم، ۱۳۷۳، ص ۱۴۴).

حکومت بخشی از دولت است و به‌طور طبیعی سه رکن دارد: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه (عالم، ۱۳۷۳، ص ۱۴۸). مفهوم حکومت را اغلب با مفهوم دولت درمی‌آمیزند. همان‌طوری که گفته شد حکومت عنصر بنیادین حکومت و وسیله‌ای است در خدمت هدف‌های اعضای دولت، یعنی مردم (عالم، ۱۳۷۳، ص ۱۴۶).
 با آنچه ذکر شد با معنای لغوی و اصطلاحی حکومت آشنا شدیم. بنابراین حکومت در اصطلاح یکی از عناصر چهارگانه تشکیل‌دهنده دولت می‌باشد. حکومت آن ساختاری است که حاکمیت دولت را اعمال می‌کند. حکومت در اصطلاح پیوند بین رعایا و هیئت حاکمه است که آن‌ها را به‌همدیگر مربوط می‌کند و عهده‌دار حفظ قانون و آزادی سیاسی و مدنی است.

تعریف حکومت اسلامی

در مورد حکومت اسلامی برداشت یکسانی در بین اندیشمندان اسلامی وجود ندارد. با مطالعه منابع اسلامی به این نتیجه می‌رسیم که تفسیرهای مختلفی در مورد

حکومت اسلامی و دینی بیان شده است؛ اما پس از مطالعه و بررسی این تعاریف می‌توان تعریف ذیل را تعریف مناسب و جامع دانست.

دولت اسلامی، دولتی است که نه تنها ارزش‌های حاکم بر زندگی سیاسی و نیز شرایط رهبران و فرمانروایان آن از جانب دین تعیین و تعریف می‌شود، بلکه حتی شیوه استقرار حاکم در رأس هرم دولت و به‌طور کلی ساختار نظام ساسی و روش‌های مدیریت امور عمومی جامه نیز به‌وسیله دین بیان می‌گردد. بر اساس این تحلیل، تنها دولتی را می‌توان مصداق واقعی دولت اسلامی یا دولت مشروع دانست که علاوه بر شرایط ویژه حاکمان، شیوه استقرار رهبران در مسند قدرت نیز مطابق با الگویی ارائه شده در شریعت و دین باشد (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۲۱-۲۴).

امام خمینی^(ع) در تعریف حکومت اسلامی می‌نویسند:

حکومت اسلام، حکومت قانون است در این طرز حکومت حاکمیت منحصر به خداوند است و قانون و فرمان و حکم خداست. فرمان خدا بر همه افراد و دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم تا خلفای آن تا ابد تابع قانون هستند... یگانه حکم و قانون که لازم‌الاجرا و متبع است برای همه مردم همان حکم و قانون خداست. تبعیت از رسول اکرم^(ص) هم به حکم خداست (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۳۴).

نظر آیت‌الله جوادی آملی در مورد حکومت اسلامی

با بررسی که در مورد آثار ایشان در مورد حکومت اسلامی صورت گرفت، تعریف مشخصی از حکومت اسلامی ارائه نداده‌اند، با این وصف با مطالعه مطالب مرتبط به حکومت اسلامی در آثار ایشان می‌توان تعریف موردنظر او را به دست آورد. ابتدا به نقل بخش‌های از نوشته ایشان در مورد حکومت اسلامی می‌پردازیم.

اگر اسلام نظارت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و دفاع دارد، اگر حدود و مقررات و قوانین اجتماعی و جامع دارد، این نشان می‌دهد که اسلام یک تشکیلات همه‌جانبه و یک حکومت است و تنها به مسئله اخلاق و عرفان و وظیفه فرد نسبت به خالق خود یا نسبت به انسان‌های دیگر نپرداخته است؛ اگر اسلام راه

را به انسان نشان می‌دهد و در کنارش از او مسؤولیت می‌طلبد، اگر اسلام آمده است تا جلوی همه مکتب‌های باطل را بگیرد و تجاوز و طغیان طواغیت را در هم کوبد، چنین انگیزه‌ای، بدون حکومت و چنین هدفی، بدون سیاست هرگز ممکن نیست. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۷۵).

خدای سبحان درباره اسلام و رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «هو الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه، ۳۳)؛ یعنی خدای تعالی رسولش را با هدایت و دین حق اعزام نمود تا مردم را در همه ابعاد زندگی هدایت کند و بساط هر طاغوت را برچیند و تا دینش را بر تمام مرام‌ها و حکومت‌ها و نظام‌ها پیروز گرداند. بر این اساس، پیامبر اسلام برای دو کار آمده نه یک کار؛ هم برای هدایت و موعظه و تعلیم و ارائه قانون آمد و هم برای برچیدن ظلم و ستم و طغیان.

خدای تعالی هدف بعثت همه رسولان خود را چنین بیان می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶)؛ ما برای هر امتی پیام‌آوری فرستادیم که آنان را به عبادت «الله» دعوت کند و به اجتناب از طاغوت برانگیزد. اجتناب کردن از طاغوت یعنی خود را در جانبی و طاغوت را در جانب دیگر قرار دادن و در جهت او قدم برداشتن و از خود در برابر تجاوز طاغی دفاع کردن و تسلیم و برده او نشدن (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۷۶).

با توجه به مطالب فوق می‌توان نظر آیت‌الله جوادی آملی در مورد حکومت اسلامی را چنین بیان کرد: حکومت اسلامی تشکیلاتی است همه‌جانبه که وظیفه آن اجرای احکام اسلام، هدایت مردم به سوی سعادت، مبارزه با طاغوت، برچیدن ظلم و مقابله با مکتب‌های باطل است.

از مجموع تعاریفی که برای حکومت اسلامی ذکر شد، تعریف جامع از حکومت اسلامی می‌تواند این چنین باشد: حکومت اسلامی اشاره به وجود سازمانی دارد که تمامی ارکان آن نشئت گرفته از اسلام باشد؛ یعنی حکومت مجری قوانین اسلام در جامعه است و کارگزاران آن بر اساس نظریه سیاسی اسلام مسئولیت اداره جامعه را بر

عهده دارند. در چنین حکومتی، نهادها و ارگان‌های حکومتی بر اساس اهداف دین مقدس اسلام شکل گرفته‌اند و مجریان نیز بر اساس دیدگاه اسلام از جانب خداوند به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم منصوب شده‌اند. در مقام تقنین و داوری نیز قوانین الهی ساری و فصل الخطاب منازعه‌ها تلقی می‌گردد.

ضرورت حکومت اسلامی

به نظر آیت‌الله جوادی آملی، حکومت اسلامی برای اجرای احکام اسلام، ایجاد عدالت در جامعه، مبارزه با طاغوت و دشمنان اسلام یک امر ضروری است.

اسلام از آن جهت که دین الهی است و از آن جهت که کامل و خاتم همه مکتب‌هاست، برای اجرای احکامش و برای ایجاد قسط و عدل در جامعه، حکومت و دولت می‌خواهد؛ برای نبرد با طاغوت و ستیز با ظلم و تعدی طاغوتیان، حکومت و حاکم می‌خواهد. اسلام بدون حکومت و بدون اجرا، قانون صرف است و از قانون که «سوادى بر بیاض» است، به‌تنهایی کاری ساخته نیست و اگر دشمنان اسلام، جدایی دین از سیاست را ترویج می‌کنند و اسلام بی حکومت را تقدیس و تکریم کرده و می‌کنند، برای خلع سلاح نمودن مسلمین و جامعه اسلامی است؛ نه به جهت خیرخواهی و نیک‌اندیشی یا اسلام‌شناسی واقعی و اصیل آنان (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۷۶).

با توجه به آنچه ذکر شد، آیت‌الله جوادی آملی در مورد ضرورت حکومت اسلامی به موارد ذیل تأکید دارند:

۱. برقراری نظم در جامعه

هیچ عاقلی نمی‌تواند بپذیرد که جامعه انسانی، بدون نظم و قانون باشد. وجود قانون، اگرچه سبب محدود گشتن انسان و کم شدن آزادی او گردد، ضرورت دارد و انسان اگرچه بر اساس فطرتش موحد است و عبودیت ذات اقدس اله را می‌پذیرد، ولی بر اساس طبیعتش، استخدام گر و بهره‌جوست و اگر او را بر اساس طبیعتش رها کنند، بر مبنای استخدام دیگران حرکت می‌کند و از آنجاکه نیازهای فراوان دارد و به‌تنهایی قادر نیست خواسته‌های خود را تأمین کند، از هر چیز و از هر شخصی بهره می‌جوید

و آن‌ها را به خدمت خود درمی‌آورد. بدیهی است که جامعه‌ای متشکل از انسان‌هایی این‌چنین، اگر دارای نظم و قانونی درست نباشد، تراحم و درگیری و هرج و مرج و فساد، آن را نابود خواهد ساخت (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۵۰-۵۲).

بنابراین، باید نظامی حاکم باشد تا هیچ‌کس خود را بر دیگری تحمیل نکند و تنها در سایه این نظم عادلانه است که جامعه شکل می‌گیرد و حیثیت اجتماعی افراد انسان، ظهور می‌کند و حیات اجتماعی آنان تحقق می‌یابد و از زندگی حیوانی و نباتی ممتاز می‌گردد. بدون نظم، هرج و مرج بر جامعه بشری حاکم می‌گردد و سعادت انسان بر باد می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۵۲).

از آنجایی که قانون به تنهایی نمی‌تواند جلوی بی‌نظمی در جامعه را بگیرد، ضروری است که نهادی مسئولیت اجرای نظم و قانون را بر عهده داشته باشد. از این رو ضرورت حکومت یک امر عقلانی است.

جامعه برای حفظ نظم و رعایت حقوق افراد، ناگزیر از تشکیل حکومت است و این سیره عقلانی است. جامعه اسلامی هم از جهت نیاز به وجود نظم و اجرای عدالت با جوامع دیگر فرقی ندارد و برای تنظیم روابط خود به حکومت نیازمند است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۵).

اصل ضرورت تشکیل حکومت برای نجات از هرج و مرج اجتماعی، جای هیچ‌گونه بحث و اختلافی نیست، هرچند که در تعیین شکل حکومت یا تعیین حاکم بحث و گفتگوی فراوانی وجود دارد. هر عقل سالمی این نکته را می‌فهمد که اگر تشکیل حکومت و اجرای قوانین، متولی خاص نداشته باشد و هرکسی که زودتر اقدام کرد و جلو افتاد متولی اجرا باشد نه تنها هرج و مرج از بین نمی‌رود، بلکه اوضاع، نسبت به زمان قبل از نزول احکام نیز وخیم‌تر خواهد شد. از این رو، راه حل صحیح آن است که آورنده حکم، مجری و ناظر بر اجرا نیز باشد و قضا و حکم در صحت و سقم اجرا نیز بر عهده او باشد و دیگران هم تحت زعامت او عمل کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۵۰). لزوم تشکیل حکومت و اداره جامعه بر اساس قانون مدون از نظر صائب هیچ اندیشه‌وری پوشیده نیست و گروهی که سود خود

را در هرج و مرج جست و جو می‌کنند و از نظم قانونی حاکم بر اجتماع هراسناک‌اند و تأسیس نظام قانونمند را لازم نمی‌دانند، از زمره صاحب‌نظران خارج‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۴۵).

۲. تحقق قضای اسلامی

هیچ اندیشمند پژوهشگری در ثبوت نظام قضا در اسلام تردید ندارد. [باور چنین نظامی در اندیشه دینی، خود همچون برهانی است که نتیجه‌اش ثبوت ولایت فقیه عادل است]. بحث قضا با ولایت تفاوت عمیقی دارد، چراکه قضا شأنی از شئون والی به شمار می‌رود که مباحثاً (بی‌واسطه) یا تسبیحاً (باواسطه) عهده‌دار آن خواهد بود و چون مسئله قضا اولاً در تمام مشاجرات اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و غیر آن‌ها اعم از دریایی، فضایی، زمینی، داخلی و خارجی حضور فقهی دارد و ثانیاً صرف حکم و داوری بدون اجرای حکم قاضی سودمند نیست و ثالثاً تنفیذ حکم به معنای وسیعش بدون وجود ولایت و قدرت اجرایی مقدور و میسر نیست، لازم قطعی پذیرش قضا در اسلام ضرورت وجود حکومتی اسلامی است.

این‌که گفته می‌شود: بدون تشکیل حکومت و به دست گرفتن نظام اداری جامعه، بسیاری از آیات قرآن کریم، نظیر آیات مربوط به حدود، دیات، قصاص، قضا، جهاد و... قابل اجرا و عمل نیست و فقط ثواب تلاوت آن برای قاری می‌ماند و بس، سرش همین است؛ چون این‌گونه آیات مانند سایر آیات قرآن کریم همیشه زنده است و اختصاص به عصر خاصی ندارد. از این‌رو تشکیل حکومت در هر عصری لازم است تا در پناه آن زمینه ادامه حیات و اجرای چنین آیاتی فراهم شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۵۰). نتیجه آنکه لازم عقلی پذیرش نظام قضا در سیستم دستورهای اسلام، پذیرش ضرورت وجود حکومت اسلامی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹).

اهداف حکومت اسلامی

در طول تاریخ، سران شرک و استکبار به قصد استحمار، استعباد، استعمار و استثمار مردم برای تصاحب حکومت و مناصب حکومتی تلاش می‌کردند. در مقابل، انبیاء^(ع) در کنار دعوت به توحید و تبلیغ از احکام و معارف الهی به منظور نجات انسان‌ها

از قید بندگی غیر خدا، جهاد و پیکار می کردند تا به حکومت دست یابند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹). هر حکومتی بر پایه مکتب خاص خویش اهدافی را به دنبال دارد که با اصول حاکم بر آن مکتب هماهنگ باشد حکومت اسلامی نیز اهدافی دارد که با اصول روشمند خویش مناسب باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۴۵). آیت الله جوادی آملی همه پیامبران را تبلیغ کننده یک دین و یک آیین می دانند و آن دین اسلام است. همین طور پیامبرانی که حکومت تشکیل دادند مانند سلیمان و یا درصدد تشکیل آن بودند، حکومت موردنظر آن ها نیز حکومت اسلامی بوده است. اهدافی را که پیگیری می کردند نیز اهداف اسلامی بوده اند. از این رو، مباحثی را که مطرح می کنند نیز در این راستا است.

چون «اسلام» تنها دین الهی است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، ۱۹) و هیچ دینی غیر از آن مرضی و مقبول خداوند نیست: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران، ۸۵)، بنابراین، تنها رهاورد همه پیامبران الهی همانا اسلام بوده و حکومت آنان نیز اسلامی بوده و می باشد و اهداف فراوان آن، در جای جای قرآن کریم آمده است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳).

به نظر آیت الله جوادی آملی حکومت اسلامی در پی تحقق دو هدف عمده یعنی خلیفه خدا شدن انسان و کشور اسلامی را مدینه فاضله ساختن است. ایشان محقق شدن این دو هدف را در راستای یک هدف عالی که نورانی شدن انسان است می داند. از این رو وقتی که در مورد اهداف حکومت اسلامی بحث می کند، در گام نخست از دو هدف خلیفه الله و مدینه فاضله سخن می گوید. ایشان می نویسد: مهم ترین هدفی که حکومت اسلامی به همراه دارد، دو چیز است:

۱. خلیفه الله شدن انسان

از دیدگاه ایشان هدف نخست حکومت اسلامی این است که زمینه را برای دستیابی انسان به مقام خلیفه الهی فراهم سازد. از این رو، در تقسیم اهداف حکومت اسلامی می نویسد که یکی مهم ترین اهداف حکومت اسلامی این است که: «انسان ها را به سوی «خلیفه الله» شدن راهنمایی کردن و مقدمات سیر و سلوک آنان را فراهم

نمودن».

۲. ساختن مدینه فاضله

ایشان دومین هدف عمده حکومت اسلامی؛ «کشور اسلامی را «مدینه فاضله» ساختن، مبادی تمدن راستین را مهیا نمودن و اصول حاکم بر روابط داخلی و خارجی را تبیین کردن» است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰).

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی عصاره معارف اسلامی در این دو چیز خلاصه می‌شود. ازاین‌رو، مهم‌ترین اهداف حکومت اسلامی خلیفه الهی انسان و ساختن مدینه فاضله است.

نصوص دینی، اعم از آیات قرآن و متون احادیث و نیز سیره معصومین و پیشوایان الهی، گرچه حاوی معارف فراوان و نکات آموزنده زیادی است، لیکن عصاره همه آن‌ها همین دو رکن یاد شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰).

پس از نظر ایشان دو هدف عمده حکومت اسلامی: ۱. ارتقای انسان به جایگاهی است که خدای متعال برای او در نظر گرفته است و آن دستیابی به مقام خلیفه الهی است. ۲. کشور اسلامی را مدینه فاضله ساختن است که تمام شرایط یک جامعه آرمانی را دارا است و در آن انسان کامل تربیت می‌شود.

ایشان مقام خلیفه الهی انسان را به روح تشبیه می‌کند و مدینه فاضله را نیز به جسم؛ یعنی انسان در صورتی می‌تواند از نظر روحی رشد کند و به تعالی برسد که از نظر جسمی سالم باشد.

همان‌گونه که نظام داخلی انسان را روح و جسم او می‌سازد ولی اصالت از آن روح است و بدن پیرو روح می‌باشد و سلامت و رعایت اصول طبّی وی، برای تأمین سلامت روح از گزند عقاید سوء و آسیب اخلاقی ناروا و حفظ از زیان رفتار ناپسند است، تأمین «مدینه فاضله» نیز برای پرورش انسان‌هایی است که در جهت «خلیفه‌الله» گشتن گام برمی‌دارند و اصالت در بین دو رکن یادشده، همانا از آن خلافت الهی است؛ زیرا بدن هرچند سالم باشد، پس از مدتی می‌میرد و می‌پوسد ولی روح، همچنان زنده و پاینده است. همچنین، مدینه فاضله، هرچند از تمدن والا

برخوردار باشد، پس از مدتی ویران می‌گردد، ولی «خلیفة الله» که همان انسان کامل است، از گزند هرگونه زوال مصون است؛ بنابراین، مدینه فاضله، به منزله بدن است و خلیفة الله، به مثابه روح آن؛ و همان‌گونه که بر اساس اصالت روح، بدن را روح سالم می‌سازد، برابر اصالت «خلیفة الله»، مدینه فاضله را انسان کامل تأسیس و تأمین می‌نماید (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰).

به نظر آیت الله جوادی آملی کلیه انبیای ابراهیمی خطوط کلی امامت و رهبری و اصول مهم سیاست و حکومت را ترسیم نموده و اهداف حکومت اسلامی را که خلیفة الهی انسان و ساختن مدینه فاضله است در ضمن دعاهاى خود بیان کرده‌اند. چنانکه ابراهیم^(ع) دو هدف عمده حکومت اسلامی را در دعای خویش متذکر شده است.

سلسله انبیاء ابراهیمی^(ع) که سالیان متمادی، حکومت اسلامی را عهده‌دار بوده‌اند و قرآن کریم درباره آنان می‌فرماید: «ذکروا نعمة الله علیکم إذ جعل فیکم أنبیاء وجعلکم ملوکاً» (مائده، ۲۰)، خطوط کلی امامت و رهبری و اصول مهم سیاست و حکومت را از بنیانگذار کعبه و معمار مطاف و مهندس قبله جهانی، به ارث برده‌اند. ابراهیم^(ع)، نه تنها در سیره خویش آن اصول و خطوط کلی را رعایت می‌نمود، بلکه در نیایش‌های خاص خود نیز مطرح می‌کرد و اجابت آن‌ها را از خداوند درخواست می‌نمود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷).

عصاره دعاهاى آن در این زمینه، همان دو هدف مهم حکومت اسلامی یعنی خلیفة الله شدن انسان صالح سالک کوی کمال و تأسیس مدینه فاضله است. با توجه به این نکته، روشن می‌شود که سامان یافتن مدینه فاضله، در پرتو تعالی انسان‌هایی است که مقام منیع خلافت الهی بهره آنان شده باشد. آنچه به آبادی، آزادی، امنیت، اقتصاد سالم و مانند آن برمی‌گردد، از اوصاف و شرایط مدینه فاضله است که در آیاتی از قبیل «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بِلْداً آمناً وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ» (بقره، ۱۲۶) آمده است و آنچه به کمال‌های انسانی بر می‌گردد و زمینه‌ساز خلیفة اللهی است، در آیاتی مانند: «وَاجْنُبْنِی وَبَنِیَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (ابراهیم، ۳۵) و: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِیْهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا

عليهم اياتك ويعلمهم الكتاب والحكمة ويزكيهم إِنْكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره، ۱۲۹) ذکر شده است و ریشه‌های اصلی دعا‌های سیاسی که در جوامع روایی ثبت شده، همین نیایش‌های زمامداران الهی است که صحایف آسمانی و به خصوص قرآن کریم آن‌ها را بازگو نموده است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷).

با توجه به مطالب فوق‌الذکر، در واقع هدف حکومت اسلامی ساختن مدینه فاضله است که در آن انسان به کمال برسد. وقتی که مدینه فاضله ساخته شد، در آن صورت است که انسان‌ها، متخلق به اخلاق اسلامی می‌شود، رشد می‌کند و به تعالی می‌رسد و در نهایت به جایگاه واقعی‌اش که مقام خلیفه الهی است دست می‌یابد. همان‌طور که جسم سالم سبب تعالی روح می‌شود، مدینه فاضله نیز سبب دستیابی انسان به مقام عالیه‌اش می‌باشد که کمال و تعالی او به مقام خلیفه الهی است.

اهداف نهایی و عالی

پس از بیان دو هدف عمده حکومت اسلامی که خلیفه الهی انسان و ساختن مدینه فاضله است، ایشان در یک تقسیم‌بندی دیگر اهداف حکومت اسلامی را به نهایی و هدف میانی تقسیم می‌کند و هدف عالی و نهایی حکومت اسلامی را که هدف نهایی وحی و رسالت انبیا است، نورانی کردن انسان می‌داند. انسان نورانی در مدینه فاضله تربیت می‌شود و این انسان نورانی است که به مقام خلیفه الهی دست می‌یابد. از این‌رو خلیفه الهی انسان، نورانی شدن انسان و مدینه فاضله اهدافی هستند که مکمل یکدیگر می‌باشند. به این معنی که انسان نورانی مدینه فاضله را می‌سازد و همچنین در مدینه فاضله انسان نورانی تربیت می‌شود و پرورش پیدا می‌کند و چنان رشد می‌کند و به کمال می‌رسد که به مقام خلیفه الهی نائل می‌گردد. در نتیجه این اهداف مکمل همدیگر می‌باشند. در هر صورت ایشان در تقسیم‌بندی دوم در مورد اهداف حکومت اسلامی می‌نویسند:

هدف نهایی از وحی و تشریع الهی، هدایت انسان‌ها و نورانی کردن آن‌هاست: «یهدی به الله من اتبع رضوانه سبل السلام ویخرجهم من الظلمات إلى النور یأذنه ویهدیهم إلى صراط مستقیم» (مائده، ۱۶)؛ [کتاب مبینی از جانب خداوند عالم نازل

شد] تا به وسیله آن هرکسی را که در پی تحصیل رضای او باشد به راه‌های سلامت هدایت کند و به فرمان خود، آن‌ها را از تاریکی‌ها به سوی نور ببرد و به راه راست هدایت‌شان کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۴۸).

ایشان در کتاب نسبت دین و دنیا نیز به هدف غایی و نهایی حکومت اسلامی اشاره دارد و می‌نویسند:

هدف غایی حکومت، تعالی یافتن و نورانی شدن انسان است. این هدف که از هدف والای رسالت و نزول قرآن گرفته شده است، غرض اصلی حکومت دینی اسلام را رقم می‌زند: «الر کتاب أنزلناه إليك لتخرج الناس من الظلمات إلى النور بإذن ربهم إلى صراط العزيز الحميد» (ابراهیم، ۱)؛ قرآن کتابی است که ما آن را به‌سوی توفرو فرستادیم تا مردم را از هر تیرگی و تاریکی، برهانی و آنان را به نور برسانی. بر این اساس، باید حکومت الهی، شرایط لازم را برای نورانی کردن جامعه انسانی و رهایی آن از تاریکی‌ها فراهم کند. انواع انحرافات فکری و عقیدتی و اخلاقی و آلودگی به هواهای نفسانی و ابتلا به وسوسه‌ها و دسیسه‌ها، از تاریکی‌هایی است که حکومت دینی باید برای برچیدن زمینه‌های آن تلاش کند تا آحاد جامعه در پرتو رهایی از چنین تیرگی‌هایی به صراط مستقیم حق دست یابند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۵-۲۶).

ایشان در کتاب بنیان مرصوص نیز نورانی کردن انسان را از اهداف غایی حکومت اسلامی می‌داند و می‌نویسند:

غرض آنکه هدف والای رسالت و نزول وحی که همان «حکومت الهی» است، نورانی کردن جامعه انسانی است و انسان نورانی از گزند تیرگی هوا و آسیب تاریکی هوس مصون است و از دسیسه، وسوسه و پند در مغالطه، محفوظ؛ و انسانی که از لحاظ اندیشه از تباهی توهم و تخیل و هرگونه مغالطه آزاد باشد و از جهت عمل از آلودگی هرگونه شهوت و غضب پاک باشد، شایسته خلافت خداست، بنابراین هدف مهم تأسیس نظام اسلامی بر پایه وحی و نبوت، همانا «خليفة الله» شدن انسان است و خط‌مشی انسان نورانی در جامعه بسیار روشن است و او با نور الهی حرکت و

زندگی می‌کند: «وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (انعام، ۱۲۲)؛ «وَيَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ» (حدید، ۲۸). (جوادی آملی، ۱۳۶۸، ص ۳۲۹).

انبیا در دست راست چراغ و در دست چپ سلاح دارند تا اگر کسی بخواهد چراغ دین و هدایت را خاموش کند با سلاح او را از این تباهی بازدارند. هدف اصلی پیامبران نجات مردم از تاریکی است: «لَتُخْرِجَ النَّاسُ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم، ۱)؛ تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی برون آری (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۴۷).

بنابراین، کار اصلی همه انبیا و ائمه طاهرین (علیهم‌السلام) که تعقیب‌کننده اهداف رسالت هستند، نورانی کردن بندگان خداست و کتاب آسمانی ابزار و وسیله‌ای است که در راستای همین هدف والا مورد استفاده قرار می‌گیرد: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقُرْآنُ لَعَلَّكُمْ تُذَكَّرُونَ» (کتاب آنزلهای الیک لتخرج الناس من الظلمات إلى النور) (ابراهیم، ۱)؛ کتابی بر تو نازل کردیم تا به وسیله آن مردم را از تاریکی‌ها به نور هدایت کنی. خداوند درباره موسای کلیم^(ع) نیز فرمود: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم، ۵)؛ موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او دستور دادیم] تا امت خود را از تاریکی‌ها به نور و روشنایی هدایت کن و ایام‌الله را به آنان یادآور باش (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۴۸).

خاصیت «نور» آن است که هر چیز را آن‌گونه که هست ارائه می‌نماید و نور توحید، انسان کامل را چنان بینا می‌نماید که خداوند عظیم را به عظمت می‌نگرد و قهراً همه اشیاء که مخلوق خدایند، در ساحت جلال الهی کوچک خواهند بود. از این‌رو، هر چیزی غیر از خدا، از دیدگاه عارف کوچک شمرده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳).

کارکرد حکومت اسلامی در قبال تحقق هدف عالی

از مجموع آنچه در مورد اهداف عالی حکومت اسلامی ذکر شد می‌توان کارکرد حکومت را درک کرد و آن اینکه انسان نورانی خودبه‌خود ساخته نمی‌شود، بلکه این حکومت اسلامی است که می‌تواند کشور اسلامی را مدینه فاضله‌ای بسازد تا انسان‌ها در آن تربیت اسلامی شوند و چنان رشد کند و تعالی یابند که خدایی شوند

و به کمال برسند. انسان کامل در جامعه به کمال رسیده، ساخته می‌شود. انسانی که به کمال رسید، لیاقت مقام خلیفه الهی را پیدا می‌کند. چنانکه ایشان می‌نویسند: نکته دیگری که توجه به آن لازم می‌باشد این است که نه تنها قرآن کریم عامل نورانی شدن انسان‌هاست، بلکه تنها مبدأ نوربخش، همانا حکومت اسلامی در پرتو قرآن است و کسی که از آن محروم باشد، هیچ نوری نخواهد داشت؛ چه اینکه خداوند فرمود: «وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (نور، ۴۰)؛ زیرا «بر اهرمن نتابد اسرار اسم اعظم» (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳).

پس نقش حکومت اسلامی در تحقق انسانی بسیار تعیین‌کننده است. چراکه تنها وجود قانون و دستورات اسلامی ساخته شدن انسان نورانی و مدینه فاضله کفایت نمی‌کند، بلکه نهادی لازم است که این قوانین را اجرا کند. همچنین وظیفه دارد که زمینه رشد جامعه در عرصه‌های مختلف را فراهم کند و هر آنچه برای تحقق اهداف عالی حکومت اسلامی نیاز است، آن‌ها را محقق سازد. در آن صورت است که انسان نورانی و مدینه فاضله ساخته می‌شود و انسان چنان رشد می‌کند که به مقام خلیفه الهی می‌رسد.

هدف متوسط و میانی حکومت اسلامی

ایشان اجرای عدالت را از زمره اهداف میانی حکومت اسلامی می‌داند و بر این نکته تأکید دارند که با تحقق این هدف، اهداف دیگر حکومت اسلامی از قبیل نظم، امنیت، رفاه و ... نیز تحقق خواهد یافت.

هدف میانی حکومت دینی، اهتمام به اجرای عدالت در جامعه است. خداوند در این باره می‌فرماید:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» (حدید، ۲۵)؛ یعنی ما پیامبران را با معجزه و ادله روشن فرستادیم و با آنان کتاب آسمانی را که دربردارنده مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین حقوقی و عملی است نازل کردیم تا مردم به عدل و داد قیام کنند و آهن را که وسیله سختی است، فرو فرستادیم تا به یاری اش طاغیان دفع و حریم عدالت رعایت

شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۵).

ایشان در کتاب ولایت فقیه خود به صورت مفصل تر، هدف میانی حکومت اسلامی را با استفاده از آیه ۲۵ سوره حدید شرح می دهد. به نظر ایشان تحقق عدالت در جامعه زمینه ساز تحقق هدف عالی حکومت که نورانی شدن انسان است، می باشد و همچنین سبب شکل گیری مدینه فاضله خواهد بود. بنا به فرمایش مولای متقیان علی^(ع) در نهج البلاغه عدالت به معنای «قرار دادن هر چیز در جای خود»، معنا شده است (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷). لذا در جامعه ای که هر چیز در جای خود باشد و هر کس به حقش برسد بنا بر تعریف دیگری که از عدالت شده، چنین جامعه ای مدینه فاضله خواهد بود و انسان های که در آن جامعه زندگی می کنند، انسان های نورانی خواهند شد و لیاقت رسیدن به مقام خلیفه الهی را نیز پیدا می کنند. در سوره «حدید» که هدف «نبوت عامه» را بازگو می کند، چنین می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» (حدید، ۲۵)؛ یعنی ما پیامبران را با معجزه و ادله قاطع و گویا فرستادیم و با آنان کتاب آسمانی را که در بردارنده مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین عملی است، نازل نمودیم تا مردم به عدل و داد قیام نموده، به جور و ستم قصور نکنند و آهن را که در رأس نیروی شدید و عامل هراس بیگانگان است، فرو فرستادیم که طاغیان و رهنمان به آن دفع شوند و از حریم قسط و عدل و قانون الهی دفاع گردد. در این آیه، هدف عمومی همه پیام آوران و زمامداران حکومت اسلامی در طول تاریخ، همان قسط و عدل جامعه شمرده شد، لیکن همان گونه که قبلاً اشاره شد، رعایت حقوق فرد و جامعه و تأمین همه مظاهر تمدن، از فروعات نورانی شدن افراد آن جامعه است؛ زیرا «خلیفه الله» که انسان نورانی است، به یقین حقوق دیگران را رعایت می کند و از آنان حمایت می نماید. پس آنچه در این آیه به عنوان هدف حکومت رهبران الهی یاد شده، یک «هدف متوسط» است نه هدف نهایی (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳).

لازمه خلافت الهی، آن است که انسان کامل یعنی خلیفه الله همه کمال های

مستخلف عنه را که خداوند جهان است، به اندازه سعه هستی خود فراهم نموده، در همه آن کمال‌های وجود، مظهر خداوند سبحان قرار گیرد؛ بنابراین، آنچه به نام قسط و عدل و نظایر آن به عنوان اهداف حکومت اسلامی یاد می‌شود، همه آن‌ها گرچه کمال به شمار می‌آیند، لیکن تمام آن‌ها جزء فروعات کمال اصلی‌اند؛ زیرا انسان متعالی که خلیفه خداست، مصدر همه آن کمال‌ها خواهد بود؛ چون خلافت خدا مستلزم آن است که خلیفه وی مظهر آن همه چیزها است که در تأمین سعادت ابد سهیم بوده، در تدبیر جوامع بشری نقش سازنده دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۴۸-۳۴۹).

در متون دینی برای حکومت مطلوب دین به اهداف دیگری نیز اشاره شده است؛ مانند اصلاح اختلافات (بقره، ۲۱۳)، تفوق و برتری بر ادیان ساختگی و حکومت‌های شرک‌آلود (توبه: ۳۳) و کناره‌گیری از طاغیان و قدم برداشتن در جهت خواست آن‌ها (نحل: ۳۶)، همه این هدف‌ها در جهت اهداف ذکر شده، معنا و تحقق می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۴۸-۳۴۹).

کارکرد حکومت اسلامی در مورد عدالت

اجرای عدالت که وظیفه و هدف همه پیام‌آوران و زمامداران دینی است از زمینه‌ها و شرایط قطعی هدف نهایی حکومت دینی به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که بی رعایت عدالت، هیچ جامعه‌ای توان نزدیک شدن به نورانیت مطلوب را ندارد؛ زیرا ظلم، بدترین ظلمت و تاریک‌ترین حجاب در راه تکامل روحی است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۵).

زمانی که عدالت در جامعه محقق شود، چنین جامعه‌ای یک جامعه آرمانی خواهد بود. به این معنی که جامعه در صورت تحقق عدالت در آن، در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و امنیتی در یک وضعیت مطلوب قرار دارد. در چنین جامعه‌ای است که انسان‌های نورانی پرورش می‌یابند و چنین جامعه‌ای مدینه فاضله خواهد بود و در نهایت در چنین جامعه‌ای است که انسان کامل ساخته می‌شود تا بتواند به مقام خلیفه الهی برسد؛ بنابراین کارکرد حکومت اسلامی در تحقق هدف

میانی نیز تعیین‌کننده است. چراکه اجرای عدالت از وظایف اختصاصی حکومت اسلامی است.

تجلی‌گاه اهداف نهایی و متوسط

از نظر ایشان پایه و اساس توسعه و رشد یک کشور و جامعه در سایه تحقق عدالت در آن است. جامعه‌ای که در آن عدالت حاکم باشد مدینه فاضله خواهد بود و انسان‌ها در آن به کمال می‌رسد و به مقام خلیفه‌الهی دست می‌یابد. در واقع کارکرد حکومت اسلامی به عنوان یک کلی که متشکل از اجزای مرتبط به هم است و در راستای تحقق اهداف خاص فعالیت می‌کند، این است که برای رشد، فرهنگی، علمی، اقتصادی و غیره برنامه‌ریزی لازم را داشته باشد و زمینه تحقق مدینه فاضله را فراهم سازد؛ یعنی تمام اجزای نظام سیاسی و حکومت اسلامی در راستای تحقق اهداف میانی و نهایی نقش ایفا می‌کنند.

تجلی‌گاه اهداف نهایی و میانی حکومت دینی، مدینه فاضله‌ای است که افراد جامعه به یمن تمسک به دین، آن را ایجاد کرده، از وجودش بهره می‌برند. مردم سرزمینی که در پرتو تعالی یافتن و عدالت، از ثمرات قطعی اهداف دین از قبیل «پیشرفت مطلوب اقتصادی»، «امنیت» و «آزادی» برخوردار می‌شوند و در پرتو چنین اموری با بهره‌مندی از جامعه‌ای سالم و معتدل، به‌سوی تحقق خواسته‌های الهی قدم برمی‌دارند، آن‌ها با استفاده از آزادی واقعی و هماهنگ با فطرت، می‌توانند بندهای ظلمانی هواهای نفسانی و گناهان را از وجود خود بازکنند و به ذات اقدس الهی نزدیک شوند. آنان به کمک امنیت فراگیر به آرامش خاطر که شرط مهم زندگی موفقیت‌آمیز است دست می‌یابند و با بهره‌مندی از اقتصاد کارآمد، پویا و سالم چهره زشت فقر، تنگدستی و احتیاج به بیگانگان را از حیات طیب و پاکیزه خود دور می‌کنند. نگاه اسلام و حکومت دینی آن به تشکیل مدینه فاضله که اوصاف آن در آیات متعددی آمده است از این اصل مهم نشان دارد که دین، هیچ‌گاه دنیا و آخرت را فدای یکدیگر نکرده است و فراموشی دنیا برای آخرت یا نادیده گرفتن آخرت برای دنیا را امری غلط و نابخردانه می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۸).

مدینه فاضله‌ای که ایشان تحقق آن را از مهم‌ترین اهداف حکومت اسلامی می‌داند، مدینه‌ای است که در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، امنیتی، صنعتی، هنری، اخلاقی و بین‌المللی رشد یافته است. ایشان در کتب مختلف خود بحثی دارد تحت عنوان اوصاف مدینه فاضله و به تفصیل در مورد هریک از اوصاف آن بحث می‌کند، ولی از آنجایی که در این تحقیق می‌خواهیم اهداف حکومت اسلامی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی و غیره را جداگانه مورد بحث و بررسی قرار دهیم، لذا این مباحث را تحت عناوین اهداف حکومت اسلامی در عرصه‌های فوق شرح می‌دهیم.

اهداف و کارکرد فرهنگی حکومت اسلامی

پس از بیان دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی در مورد اهداف کلی حکومت اسلامی، حال به بررسی نظر ایشان در مورد اهداف و کارکرد حکومت اسلامی در عرصه فرهنگ می‌پردازیم.

ایشان پس از آنکه اهداف اصلی حکومت اسلامی را خلیفه‌الله شدن و ساختن مدینه فاضله در راستای نورانی کردن انسان‌ها و برحذر داشتن آن‌ها از گرفتار شدن در تاریکی و انحراف، می‌داند، به تبیین اوصاف مدینه فاضله می‌پردازد که در واقع بیان‌کننده اهداف و کارکرد حکومت اسلامی در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... است. ایشان هدف حکومت اسلامی در عرصه فرهنگ را رشد فرهنگی جامعه از طریق از بین بردن جهل و نادانی و ترویج علم و دانش در جامعه می‌داند. به نظر ایشان جهالت و ضلالت دو عامل اصلی انحطاط فرهنگی جامعه جاهلی در گذشته و حال به شمار می‌رود.

زاممدار حکومت اسلامی، عهده‌دار تأمین علم و دانش شهروندان قلمرو حکومت خود است و آیاتی مانند «هو الَّذی بعث فی الأمیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و إن کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین» (جمعه، ۲)، بیانگر آن است. مشکل اساسی جامعه در جاهلیت جدید یا کهن، همانا ندانستن اصول «تمدن ناب» و یا عمل نکردن به آن در فرض دانستن است؛ یعنی جهالت و

ضلالت، دو عامل قطعی انحطاط جامعه جاهلی است و مهم‌ترین هدف حکومت اسلامی در بخش فرهنگ به معنای جامع، جهالت‌زدایی و ضلالت‌روبی است تا با برطرف شدن جهل و نادانی، علم و کتاب و حکمت جایگزین آن گردد و با برطرف گشتن ضلالت و گمراهی اخلاقی و انحراف عملی، تزکیه و تهذیب روح، جانشین شود و لذا در آیه مزبور و مانند آن که اهداف و برنامه‌های زمامداران اسلامی مطرح می‌شود، جهل‌زدایی توسط تعلیم و ضلالت‌روبی توسط تزکیه، از شاخصه‌های اصلی آن قرار گرفته است و آیه مذکور، جامعه اُمّی و نادان و بی‌سواد را به فراگیری دانش تشویق می‌کند تا از اُمّی بودن برهند و به عالم و آگاه شدن برسند و نیز جامعه گمراه و تبه‌کار را به طهارت روح فرامی‌خواند تا از بزه‌کاری برهد و به پرهیزکاری و وارستگی بار یابد؛ البته مردم آگاه و وارسته، توان تأسیس مدینه فاضله و حفظ آن را خواهند داشت (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶).

با توجه به مطالب به نظر ایشان، هدف حکومت اسلامی در عرصه فرهنگ، رشد فرهنگی جامعه است و کارکرد حکومت برای دستیابی به این هدف گسترش علم و دانش در بین افراد جامعه و از بین جهالت و گمراهی از آن است؛ یعنی حکومت اسلامی از طریق ساختن مراکز عملی و فرهنگی و سرمایه‌گذاری‌های لازم در این عرصه‌ها، زمینه رشد فرهنگی جامعه را فراهم سازد.

اهداف حکومت اسلامی در عرصه اقتصادی

آیت‌الله جوادی آملی، با استناد به آیاتی از قرآن کریم، هدف حکومت اسلامی در عرصه اقتصاد را رشد اقتصادی می‌داند. به نظر ایشان رشد اقتصادی در سایه توزیع عادلانه ثروت در بین افراد جامعه و عدم قطب‌بندی آن به فقیر و غنی؛ عامل اصلی رشد اقتصادی بشمار می‌رود. حبس و قرار گرفتن مال در دست یک عده و فقر عده دیگر از نظر اسلام مذموم است و ایشان با استناد به آیاتی از قرآن کریم، بر اهمیت عدالت اقتصادی تأکید دارند و آن را عامل رشد اقتصادی می‌داند. به نظر ایشان هدف حکومت اسلامی در عرصه اقتصادی، رشد اقتصادی جامعه است و کارکرد حکومت اسلامی برای تحقق این هدف سه چیز است:

۱. جلوگیری از تقسیم شدن جامعه به فقیر و غنی

اسلام مجموع مال‌ها را برای اداره شئون مجموع انسان‌ها می‌داند؛ یعنی اصل مالکیت خصوصی نباید مایه حرمان جامعه باشد و امت اسلامی به دو گروه صاحب مال و زران‌دوز و نیازمند فقیر تقسیم شوند. اسلام مال را به مثابه ستون فقرات جامعه انسانی و سبب قیام مردم می‌داند و فرد یا گروهی که فاقد مال هستند، از آن جهت فقیرند که ستون فقرات اقتصادی آن‌ها شکسته و توان قیام را از دست داده‌اند؛ زیرا فقیر به معنای مهره کمر شکسته و قدرت ایستادن و ایستادگی را از دست داده است و چون مال به منزله خون در عروق جامعه و ستون فقرات ملت محسوب می‌گردد، نباید آن را در اختیار [افراد خاصی قرار داد] (جوادی آملی، بی‌تا، ص ۴۹).

ایشان چنانکه ذکر شد، مال را ستون فقرات و خون جاری در رگ‌های جامعه می‌داند. لذا در صورتی که در دست یک عده خاص باشد، سبب نابودی و از بین رفتن جامعه خواهد شد؛ بنابراین رشد اقتصادی در صورتی محقق می‌شود که عدالت اقتصادی در جامعه حکم‌فرما باشد و مال در انحصار طبقه خاصی قرار نداشته باشد.

۲. گردش اموال در دست همه اعضای جامعه

اسلام، احتکار ثروت و اکتناز مال و ذخیره کردن آن را ممنوع می‌داند و آن را به منزله ضبط خون در بخشی از رگ بدن که سبب فلج شدن سایر اعضاست تلقی می‌کند، لذا جریان آن برای همه طبقات را لازم می‌شمرد و آیاتی از قبیل: «الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبِشْرِهِمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه، ۳۴)، دلیل بر منع رکود مال و گواه بر لزوم جریان آن در تمام اعضاء جامعه است. اسلام جریان ناتمام مال و منحنی ناقص مسیر آن را ممنوع و جریان کامل و منحنی تام آن را لازم می‌داند؛ یعنی اجازه نمی‌دهد که ثروت مملکت در دست گروهی خاص جاری باشد و هرگز به دست دیگران نرسد و بلکه فتوا می‌دهد که لازم است دور آن کامل باشد تا به دست همگان برسد. آیاتی مانند: «كَيْ لَا يَكُونَ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر، ۷)، گواه بر این سخن است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸-۱۰۹).

به نظر ایشان قرار گرفتن مال در دست عده خاص، به معنای نابودی طبقات

ضعیف جامعه است. از این رو باید مال در گردش باشد و همه افراد جامعه از آن بهره مند شوند. اغنیا باید به فقرای جامعه کمک کنند و از آن‌ها دست‌گیری نمایند. در چنین شرایطی است که رشد و توسعه اقتصادی در جامعه تحقق خواهد یافت.

۳. ضرورت رهایی از افراط سرمایه‌داری و تفریط مارکسیسم

ایشان نظام اقتصادی اسلام را یک نظام اقتصادی عادلانه می‌داند و به شدت نظام سرمایه‌داری غرب و نظام کمونیستی را مردود می‌شمارد؛ به عبارت دیگر اسلام انحصار مال و ثروت که امانت الهی است، در دست عده خاصی از افراد حقیقی و حقوقی مانند سرمایه‌داران در نظام سرمایه‌داری غرب و دولت در نظام کمونیستی را نمی‌پذیرد؛ بلکه بر توزیع عادلانه ثروت در بین کلیه اقشار جامعه تأکید دارد.

گردش و تداول ثروت در دست گروهی خاص و جرمان توده جامعه از آن، به دو صورت ترسیم می‌شود که هر یک از آن دو نارواست؛ یکی بر اساس نظام کاپیتالیسم و سرمایه‌داری غرب و دیگری بر پایه نظام دولت‌سالاری و مکتب مارکسیسم فرو ریخته شرق. به هر تقدیر، مال نباید در اختیار اشخاص حقیقی خاص یا شخصیت‌های حقوقی مخصوص محصور باشد، بلکه باید در تمام قشرهای جامعه جاری گردد و این ره‌آورد اسلام، پایه و اساس «برین اقتصادِ سالم» است که از بین «فَرِثِ» سرمایه‌داری و «دَمِ» دولت‌سالاری و مارکسیسم، «لَبَنِ» خالص و شیر شفاف اقتصاد دینی را استنباط می‌کند تا از افراط اول و تفریط دوم رهایی یابیم و به هسته مرکزی عدل اسلامی نائل شویم. اسلام، جریان تام و منحنی کامل مال در دست توده مردم را که از راه مشروع مانند تجارت با رضایت صورت گیرد می‌پسندد (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹).

ایشان در نهایت در مورد رشد اقتصادی می‌فرماید: آنچه از نظر اسلام درباره رشد اقتصادی بیان شد، در چند بند ذیل خلاصه می‌گردد:

- ۱- اصل مالکیت انسان‌ها نسبت به یکدیگر پذیرفته است، ولی تمام انسان‌ها نسبت به خداوند، امین و نائب‌اند نه مالک.
- ۲- مجموع اموال، متعلق به مجموع انسان‌هاست.
- ۳- مال، به منزله خون بدن و به مثابه ستون فقرات جامعه انسانی است.

۴ - قرار دادن مال در اختیار سفیه ممنوع است و صرف آن به نحو اسراف یا اتراف نارواست.

۵ - احتکار ثروت و اکتناز مال، ممنوع است و جریان آن لازم می‌باشد.

۶ - جریان ناقص مال، ممنوع می‌باشد و دَوْر کامل آن لازم است.

۷ - جریان عمومی مال، گذشته از راه‌های پیش‌بینی شده در شرع مانند ارث و بخشش، همانا بر اساس تجارت با رضایت است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰).

هدف حکومت در بخش صنعت و هنر

آیت الله جوادی آملی در بخش اهداف حکومت اسلامی یک بخشی دارد تحت عنوان رشد صنعتی و هنری. در این بخش ایشان یکی از اهداف حکومت اسلامی را رشد صنعت و هنر در جامعه می‌دانند. چراکه رشد این دو مورد، سبب توسعه در بخش‌های دیگر می‌گردد. ایشان در این زمینه به رشد صنعت و هنر در دوران سلیمان^(ع) به عنوان زمامدار حکومت اسلامی اشاره می‌کنند.

سلیمان^(ع) که حکومت اسلامی را در پهنه وسیعی از زمین آن زمان گسترش داد و به بعضی از زمامداران عصر خود نامه نوشت و آنان را به اسلام فراخواند و کامیاب شد، از امکانات فراوانی برخوردار بود، قرآن کریم نحوه استفاده او را از وسایل صنعتی آن روزگار چنین بازگو می‌کند: «وَأَسْلَمْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ» (سبأ، ۱۲)؛ ما برای او چشمه مس گذاشته را سیل گونه روان ساختیم؛ «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (سبأ، ۱۳) (جوادی آملی، بی‌تا، ص ۵۱-۵۲).

ایشان حکومت اسلامی سلیمان را نمونه موفق در عرصه صنعت و هنر در زمان خود می‌دانند و تلویحاً به این نکته اشاره می‌کند که هدف حکومت اسلامی علاوه بر اهدافی که در عرصه فرهنگی و اقتصادی ذکر شد، رشد صنعت و هنر در جامعه نیز می‌باشد. کارکرد حکومت در این عرصه این است که امکانات لازم برای رشد در این زمینه را فراهم آورد چنانکه کارگزاران سلیمان توانستند به چنین هدفی نائل آیند.

«کارگزاران نظام اسلامی سلیمان^(ع)؛ هم در صنعت معماری، بناهای بلند و قصرهای منیع می‌ساختند و هم در صنعت نقاشی و هنر، تمثال فرشتگان و پیامبران و صالحان را با زیبایی ترسیم می‌کرده‌اند تا ضمن تشویق به هنر و ارضای غریزه هنرجویی، روش بهره‌برداری درست را ارائه نمایند و اسوه‌ها را به صورت نقاشی، فراسوی مردم نصب کنند تا با مشاهده نقش، هنر بیاموزند و با شهود منقوش، سعادت را تحصیل کنند و نیز در صنعت فلزکاری، ظروف مورد نیاز فردی و جمعی را می‌ساختند تا در طی هنرآموزی، وسایل رفاهی را فراهم نمایند و آیین بهزیستی را در سایه تأمین لوازم ضروری زندگی بیاموزند، لذا به ساختن ظرف‌های بزرگ و کاسه‌های عظیم و دیگ‌های رفیع و استوار می‌پرداختند و در عین حال که نعمت صنعت را بجا صرف می‌کردند، به شکرگزاری خداوند متّان مأمور شدند که هم نعمت مواد خام و معدنی را آفرید، هم نعمت استخراج آن‌ها را در اذهان بشر خلق کرد، هم نعمت هنر صنعت و ساخت‌وساز وسایل سودمند را یادشان داد» (جوادی آملی، بی‌تا، ص ۵۲).

ایشان می‌افزاید که صنعت و هنر در دوران سلیمان^(ع) چنان رشد نمود که کاخ‌های شیشه‌ای‌اش، منقش به نقوش مختلف بود و این منظره چنان فریبنده بود که وقتی ملکه سبا به سرزمین سلیمان^(ع) آمد، مقهور زیبای‌های قصر او شد.

«جریان ورود ملکه سبا به ساحت قدس سلیمان^(ع) و مشاهده قصر ظریف شیشه‌ای و پندار آب و بالا زدن پوشش پا، شاهد بر پیشرفت صنعت معماری؛ هنری و صنعتی آن عصر است: «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِيهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ» (نمل، ۴۴) (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲).

آنچه که از این نکات به دست می‌آید این است که به نظر آیت‌الله جوادی آملی یکی از اهداف حکومت اسلامی رشد صنعت و هنر در جامعه است و باید حکومت اسلامی، حکومت سلیمان^(ع) را الگوی خویش قرار دهد و امکانات لازم برای رشد جامعه در عرصه صنعت و هنر را نیز فراهم سازد.

ایشان همچنین به رشد صنعت کشتی‌سازی در زمان نوح^(ع) اشاره دارد و با استناد به آیاتی از قرآن کریم به تشریح آن می‌پردازد.

«نوح، شیخ الأنبياء^(ع) که نه تنها در مسئله وحی و نبوت جزء پیشگامان کوی رسالت است، بلکه در جریان استفاده صحیح از علم صنعت از پیش کسوتان به شمار می آید و خداوند هم تعلیم کشتی سازی او را به عهده گرفت، هم توفیق و تأیید عملی آن را عهده دار شد. قرآن کریم در این باره چنین می فرماید: «اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيُنَا» (هود، ۳۷)، «فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيُنَا» (مؤمنون، ۲۷) (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲).

خلاصه آنکه: ۱. اصل فرایند صنعتی در حکومت اسلامی ممدوح و مورد ترغیب است ۲. لزوم استفاده صحیح از آن در سیره عملی زمامداران دینی بیان شد ۳. مهم ترین بهره درست از صنایع پیشرفته هر عصر عبارت از تأمین نیازهای علمی و عملی مردم آن عصر است ۴. آنچه در قرآن یاد شد، جنبه تمثیل دارد؛ نه تعیین؛ یعنی مثال بهره صحیح در قرآن بازگو شد، نه آنکه استفاده درست منحصر در همین چند مورد باشد ۵. صنعت کشتی سازی نوح^(ع) الگویی برای ساخت و پرداخت هرگونه وسایل نقلی دریایی و زیردریایی، اعم از وسیله نقل مسافر، بار و مانند آن و نیز وسایل نقلی زمینی و هوایی به طور عام است و صنعت زره بافی داوود^(ع) الگویی برای ساختن هرگونه وسایل دفاعی است؛ خواه در برابر تیر و مانند آن، خواه در قبال سموم شیمیایی و نظایر آن و صنعت معماری و کارهای دستی و ظرایف هنری و ساختن ظروف فلزی سلیمان^(ع) نمونه ای برای ساختن هرگونه لوازم زندگی که نیازمندی های فردی یا گروهی و همچنین نیازمندی های هنری و ادبی به آن برطرف می گردد است (جوادی آملی، بی تا، ص ۵۴).

از مجموعه این نمودارها می توان خط مشی حکومت اسلامی را درباره بهره برداری از صنایع استنباط نمود که استفاده از تکنولوژی در تمام امور سازنده و سودمند رواست، ولی بهره برداری از آن در امور تخریبی و تهاجمی و سوزنده و کشنده و تباه کننده زمین، دریا، هوا، گیاهان، جانوران، انسان ها، مناطق معمور، و... هرگز روا نیست و با این تحقیق، می توان فرق میان کادر صنعتی در مدینه فاضله که هدف حکومت اسلامی است را با کادر صنعتی کشورهای مهاجم و مخرب و مدعی تمدن، بررسی نمود

(جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۱۱۴).

هدف حکومت اسلامی و رشد حقوق داخلی و بین‌المللی

یکی دیگر از اهدافی که در راستای ساختن مدینه فاضله و دستیابی انسان به مقام خلیفه الهی باید تحقق یابد و باید حکومت به آن اهتمام ورزد، رشد حقوق در عرصه داخلی و بین‌المللی است. آیت‌الله جوادی آملی رشد حقوق داخلی و بین‌المللی را یکی دیگر از اهداف حکومت اسلامی برمی‌شمارد.

«قوانین اسلامی و مسئولان نظام دینی، عهده‌دار تبیین، تدوین و اجرای رشد حقوقی داخلی و بین‌المللی می‌باشند؛ زیرا جامعه انسانی هرچند در شئون گوناگون اقتصاد متریقی باشد و هرچند در امور متنوع صنعت کارآمد باشد، مادامی که از قوانین حقوقی کامل و متقابل آگاه نبوده و به آن معتقد نشده، در عمل به آن‌ها متعهد نباشد، هرگز کامیاب نخواهد شد چون همان سلاح‌های اقتصادی و صنعتی بدون صلاح حقوقی و اخلاقی، زمینه تباهی را فراهم می‌کند و جریان جنگ جهانی اول و دوم و تهاجم‌های موضعی بعد از آن‌ها که باعث شد همواره زورمداران در موضع تخریب قرار گرفته و محرومان در موضع انزوا و قتل و غارت واقع شوند، گواه بر آن است» (جوادی آملی، بی‌تا، ص ۵۶).

ایشان پس از تبیین اهداف حکومت اسلامی برای رشد حقوق داخلی و بین‌المللی، به نموداری از اصول حکومت اسلامی در عرصه حقوق اشاره دارد.

نموداری از اصول حقوقی حکومت اسلامی

به نظر ایشان اصول ذیل، زمینه تحقق حقوق داخلی و بین‌المللی حکومت اسلامی را فراهم می‌کند و با رعایت آن‌ها می‌تواند به این هدف دست یابد.

حکومت اسلامی، اصولی را در این زمینه ارائه می‌نماید که نموداری از آن نقل

می‌شود:

۱. نفی هرگونه سلطه‌گری یا سلطه‌پذیری...؛ (لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ) (بقره،

۲۷۹).

۲. رعایت عهود و مواثیق بین الملل؛ (وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا) (اسراء، ۳۴)، لزوم عمل به عهد، اختصاصی به عهد خدا ندارد؛ بلکه مقتضای اطلاق آیه مزبور و سایر ادله، دلیل لزوم تعهد به آن است؛ حتی در عهد با خلق خدا. قرآن، مؤمنان والا مقام را که به مرحله ابرار نائل آمدند، چنین معرفی می کند: «وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا» (بقره، ۱۷۷) و مشرکان و کافران را چنین نکوهش می نماید: «الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ» (انفال، ۵۶) (جوادی آملی، بی تا، ص ۵۷).

اهتمام حکومت اسلامی برای برقراری نظام تعهد و قانون، عمل به پیمان و احترام به میثاق، برای آن است که جامعه متعهد از امنیت و آزادی که از لوازم تمدن و اصول مدینه فاضله به شمار می آید، برخوردار خواهد بود. اگر از جامعه ای رعایت میثاق رخت بریند، امنیت، آزادی و سایر شئون مدنیت آن نیز از بین خواهد رفت و قرآن کریم تبیین رسایی در این باره دارد که با تحلیل آفرینش انسان و تساوی همه آنها در اصول کلی خلقت و عدم تأثیر زمان، زبان، نژاد، رنگ، رسوم و آداب و عادات محلی و بومی و ...: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳)، اجازه هیچ گونه اعتلا و برتری طلبی را به هیچ فرد یا گروهی نمی دهد و استکبار را عامل مهم برهم زدن تعادل اجتماعی می داند و نبرد با آن را از این جهت لازم می داند که خوی استکبار، همانا خوی پیمان شکنی و نقض میثاق است؛ لذا چنین می فرماید: «وَإِنْ نَكُثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَهُ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (توبه، ۱۲) (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵-۱۱۶).

آنچه در جاهلیت جدید همانند جاهلیت کهن دامن گیر جامعه بشری گشته، پیمان شکنی زورمداران عصر حاضر است که شرح نارسایی سازمان بین الملل و سایر مجامع بین المللی و مدعیان حقوق بشر، در مقابله با تهاجم ددمنشانه گروه های مهاجم در نقاط مختلف جهان، خارج از حوصله این مقالت است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵).

۳. رعایت امانت و پرهیز از خیانت در اموال و حقوق، سومین اصل پیشگیرانه اسلام است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء، ۵۸)؛ دستور خداوند، لزوم رعایت امانت و تأدیه آن به صاحبش می‌باشد. بیان قرآن در ستایش مردم باایمان این است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون، ۸)؛ یعنی آنان، امانت‌دار و مراعات‌کننده عهد و پیمان خویش هستند. قرآن کریم بسیاری از انبیاء الهی به وصف امین بودن به جهانیان معرفی کرده است که آیات سوره «شعراء»، نمونه‌ای از آن است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷).

تأثیر احترام متقابل به امانت‌های یکدیگر در برقراری امنیت و آزادی و تأسیس مدینه فاضله کاملاً مشهود است. قرآن مجید با تحلیل ساختار انسانی، ثابت نمود که هیچ فرد یا گروهی حق ندارد در امانت خیانت نماید و نژادپرستی صهیونیست‌ها و مانند آنان را که خود را برتر پنداشته، لزوم رعایت امانت دیگران را بر خویش لازم نمی‌دانند، محکوم کرده، چنین می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنُهُ بِدِينَارٍ لَا يُوَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمْنِ سَبِيلٌ» (آل عمران، ۷۵)؛ یعنی برخی از یهودیان اگر دیناری به آن‌ها به‌عنوان امانت بسپاری پس نمی‌دهند، مگر آنکه با زور و مراقبت از آن‌ها بستانی و سرّ اقدام آن‌ها به خیانت در امانت، آن است که خود را نسبت به غیر اهل تورات برتر می‌پندارند و می‌گویند بر ما حَرَج و قدح و ذمی نیست، اگر امانت آن‌ها را برنگردانیم. البته وقتی در امانت خیانت می‌کنند، از غارت ابتدایی پرهیز نخواهند کرد و هنگامی که به خیانت در یک دینار تن در می‌دهند، خیانت در ثروت کلان و منابع ملی را قطعاً مباح می‌شمارند (جوادی آملی، بی‌تا، ص ۵۹-۶۰).

نتیجه‌گیری

آنچه می‌توان به‌عنوان نتیجه‌گیری از مطالب بیان‌شده، ذکر کرد این است که از منظر قرآن و بر اساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، ساختن انسانی که بتواند به مقام خلیفه‌الهی برسد و ساختن مدینه فاضله که انسان‌های نورانی را تربیت کند و در خود

پرورش دهد، از مهم‌ترین اهداف حکومت اسلامی بشمار می‌رود. ایشان هدف غایی و نهایی حکومت اسلامی را نورانی کردن انسان می‌داند، انسان نورانی همان کسی است که لیاقت مقام خلیفه الهی را به دست می‌آورد. لذا انسان نورانی همان خلیفه الله است.

آیت الله جوادی آملی هدف میانی حکومت اسلامی را برقراری عدالت در جامعه می‌داند. اجرای عدالت در جامعه سبب تحقق اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت دیگری مانند امنیت، رفاه، برقراری نظم و غیره می‌شود. همچنین رشد فرهنگی، اقتصادی، هنری، صنعتی و حقوق داخلی و بین‌المللی از اهداف حکومت اسلامی در این عرصه‌ها است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. امام خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۷۳)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. انوری، حسین، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
۳. جرجانی، علی، (۱۳۰۶ ق)، التعریفات، قاهره: بی‌نا.
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۹)، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. -----، (۱۳۸۱)، ادب فنای مقربان، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول.
۶. -----، (۱۳۸۶)، سرچشمه اندیشه، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم.
۷. -----، (۱۳۸۸)، امام مهدی (عج) موجود موعود، قم: مرکز نشر اسراء.
۸. -----، (۱۳۸۱)، نسبت دین و دنیا، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم.
۹. -----، (۱۳۶۸)، بنیان مرصوص امام خمینی، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۰. -----، (۱۳۸۵)، پیامبر رحمت، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۱. -----، (بی‌تا)، اسلام و محیط‌زیست، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۵)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
۱۴. عضدانلو، حمید، (۱۳۸۴)، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
۱۵. عمید، حسن، (۱۳۷۷)، فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۶. فیرحی، داود، (۱۳۸۲)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۷. فیروزآبادی، ابوطاهر مجدالدین محمد، (بی‌تا)، قاموس اللغة، بی‌نا.

۱۸. کاظمی، اصغر، کارکردگرایی، سایت پژوهشکده باقرالعلوم^(ع) آدرس سایت:

<http://www.pajoohe.com>

۱۹. گولد، جولیوس و ویلیام ل. کولب، (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: بی‌نا، چاپ اول.

۲۰. معین، محمد، (۱۳۶۳)، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر، چاپ ششم.

۲۱. نصرتی، علی اصغر، (۱۳۸۴)، نظام سیاسی اسلام، قم: هاجر، چاپ دوم.